



23 جنوری 2022

داکتر سید عبدالله کاظم

نگاهی مختصر به سقوط و عروج خانواده سردار یحیی خان

(بخش سیزدهم)

نگاهی تمهیدی به مباحث بعدی این سلسله:

در قسمت اول این نوشته از بخش اول تا بخش دوازدهم (منتشره 26 دسمبر 2021 این پورتال وزین) راجع به عروج خانواده سردار یحیی خان پس از برگشت 21 ساله اقامت تبعیدی در هند برتانوی به وطن در دوره سراجیه مطالبی بیان گردید. در قسمت دوم نقش این خانواده بخصوص سپهسالار محمد نادرخان را دوره سلطنت شاه امان الله غازی مورد بررسی قرار میدهیم که مشتمل بر موضوعات ذیل میباشد: نقش سپهسالار محمدنادر خان و برادرانش در جنگ استقلال در محاذ جنوبی و چگونگی فتح "تل"؛ رسیدن سپهسالار به مقام وزارت حربیه و توظیف او برای تنظیم امور قطغن و بدخشان؛ اهتزاز او در سرکوبی نظامی اغتشاشیون جنوبی (ملای لنگ)؛ تشدید اختلافات بین او و شاه امان الله و مقرری سپهسالار به حیث وزیر مختار در پاریس؛ تجمع برادران با سپهسالار در فرانسه و تماسها با مراجع انگلیسی؛ زمینه سازی انگلیس ها برای رسانیدن او بقدرت و برگشت آنها از راه هند به وطن؛ استعفا شاه امان الله از سلطنت و سقوط کابل بدست قوای سقاوی. البته مباحث فوق طی بخش های متعدد در ادامه بخش سیزدهم سلسله به نشر خواهد رسید. قابل ذکر است که قسمت سوم به بررسی چگونگی مبارزات سپهسالار و برادرانش برای سقوط رژیم سقاوی و رسیدن محمدنادرخان به سلطنت افغانستان اختصاص خواهد یافت و در قسمت چهارم ماهیت حکومت نادری و بررسی انگیزه های شهادت او مطرح بحث قرار خواهد گرفت و در آخرین قسمت نگاهی همه جانبه به دوران صدارت محمد هاشم خان و نقش سمبولیک اعلیحضرت محمد ظاهر شاه خواهیم انداخت. از آنجائیکه نویسنده طی کتاب مستقل دیگر تحت عنوان "رویدادهای عمده در دوره صدارت شاه محمودخان غازی" (چاپ امریکا در جنوری 2020 در 417 صفحه) و نیز دوره ده ساله صدارت شهید محمد داؤد را در کتاب دیگر خود تحت عنوان "زندگی سیاسی شهید محمد داؤد از آغاز تا انجام" (در سه جلد و جمعاً 1320 صفحه در سال 2019، چاپ کابل) به تفصیل بیان داشته است، از بحث مکرر این دو دوره منصرف و نشر این سلسله را به پایان خواهم برد و اگر فرصت حیات باقی بود، رویداد های دوره ده ساله سلطنت محمد ظاهر شاه را تا سقوط سلطنت بوسیله کودتای 26 سرطان 1352 در کتاب مستقل دیگر تقدیم خواهم کرد. (با اعتدال از اینک به دلایل مختلف از جمله مصروفیت شخصی و نیز مشکلات صحتی طی یک ماه گذشته سلسله نشر این موضوعات به تعویق افتاد. داکتر کاظم)

قسمت دوم:

نقش خانواده سردار یحیی خان در عصر امانی

اقدامات شاه امان الله برای استرداد استقلال کامل کشور:

شاه امان الله بعد اطلاع از شهادت پدر خود بروز جمعه تاریخ 2 حوت 1297 ش (23 فیبروری 1919 م) به پیشنهاد اراکین دولت جانشینی خود را بجای پدر و قبول سلطنت اعلام نمود و روز بعد (3 حوت 24 فیبروری) که مردم کابل و عساکر پایتخت در میدان مرادخانی اجتماع بزرگ نموده بودند، با لباس نظامی و با شمشیر از نیام بیرون حضور یافت و ضمن یک بیانیه تاریخی گفت: «من این لباس سربازی را از بدن خود بیرون نمیکنم تا که لباس استقلال را برای شما تهیه نسازم، من این شمشیر را در نیام نمی گذارم تا غاصب حقوق شما برادران و محبان را بجای خودش ننهانم... به عموم اهالی افغانستان خاطر نشان و به سایر دول عالم از این ساعت اعلان می نمایم که افغانستان در همه امور و شئون

داخلی و خارجی خود یک کشور آزاد و مستقل مطلق است و آنکه این معنی را قبول ندارد، اینک میدان و شمشیر... این شمشیر خود را در نیام نمیکنم تا اراده قطعی و عزم بالجزم تحصیل شرف و ناموس ملی بر ما میسر نگردد و استقلال این ملت بدست نیاید.»

شاه امان الله بروز دوشنبه 12 حوت 1297ش (3 مارچ 1919م) نامه ای عنوانی ویسرای هندوستان (نائب السلطنه) لارڈ چلمسفورد Lord Chelmsford نوشت و پس از ذکر شهادت پدر خود مختصری درباره امارت کاکای خود در جلال آباد و نیز انصراف او پس از شش روز از امارت و بیعت او و برادران خود هر یک سردار عنایت الله خان و سردار حیات الله خان و بیعت بزرگان دربار، مردم و عساکر مرا به حیث امیر و جانشین پدرم شناختند که به آن افتخار میکنم و خواستم این موضوع را به اطلاع شما برسانم. شاه امان الله در پایان نامه این عبارت را علاوه کرد: «بر آن دوست ما پوشیده نماند که حکومت مستقل و آزاد افغانستان آماده است در هر زمان و موقع بنابر ایجابات دوستی موافقت ها و معاهداتی را با حکومت مقتدر انگلستان که در راه تجارت برای ما و شما مفید باشد، بنماید و باقی احترامات دوستانه مرا بپذیرید.» (متن مکمل نامه دیده شود: وکیلی پوپلزائی، عزیزالدین: "سلطنت امان الله شاه...". بخش اول، صفحه 117 - 118)

ویسرای هند به این نامه وقعی نگذاشت و بعد از تأخیر یک و نیم ماه بتاریخ 26 حمل 1298ش (5 اپریل 1919م) به آن جواب داد که در یک قسمت آن آمده بود: «مسرور و شادمان شدم از اینکه شما فرمودید که بردوستی و همدردی که بین دو حکومت وجود دارد و وجود خواهد داشت، متکی میباشد. این دوستی بر آن معاهدات و تعهداتی که ضیاء الملة والدین فقید با حکومت برتانیه نموده و سراج الملة والدین فقید آنها را تائید کرده بودند، بنیادگذاری شده است و چیزی که من از فرموده شما فهمیدم این است که حکومت افغانستان عزم و اراده دارد که بر همان اساس گذشته عمل نماید.» (متن مکمل نامه: مأخذ بالا... صفحه 118)

از آنجائیکه ویسرای هند برتانیوی به جواب نامه فوق الذکر شاه امان الله بی اعتنائی کرد و از ارائه جواب فوری خودداری نمود، شاه تصمیم گرفت برای تحقق استقلال کامل کشور از طریق نظامی داخل اقدام شود و بناءً بروز اول حمل 1298ش به احضار و اعزام عساکر بطرف سرحدات شرقی و جنوبی و غربی کشور مبادرت ورزید و هدف این سوقیات را ظاهراً دفاع از سرحدات، تأمین امنیت و حفظ استقلال کشور اعلام کرد.

دلیل به تعویق انداختن جوابیه نامه شاه امان الله از طرف انگلیسها را اقبال علیشاه چنین توجیه میدارد که به نظر بعضی ها در فرماندهی حکومت هند برتانیوی چون در نامه امیر مطالبی ذکر شده که دال بر خودمختاری کشور و برچیدن نظارت برتانیه از امور کابل بوده است، لذا جواب دادن فوری به آن نامه به معنی برسمیت شناختن امان الله خان به حیث یک پادشاه مستقل را خواهد داشت، لذا آنها نه تنها در ارسال جوابیه تعلل عمدی کردند، بلکه از وصول نامه نیز اطمینان ندادند و به این اساس اغماض این موضوع مسئولیت آغاز جنگ را بردوش انگلیس ها می اندازد. (زمانی، داکتر عبدالرحمن: "بازنگری دوره امانی و توطئه های انگلیس"، صفحه 61)

در همین موقع شاه امان الله تشکیلات اداری حکومت و اعضای کابینه خود را اعلام کرد و محمود طرزی را به حیث ناظر امور خارجی مقرر نمود. طرزی در این مقام بتاریخ 9 حمل 1298ش (29 مارچ 1919م) به حکومت هند برتانیوی اطلاع داد که روابط بین هند برتانیوی و دولت مستقل افغانستان از طریق او صورت میگیرد و به این اساس سلسله رابطه شخصی که تا آنوقت بین امیر و مقامات

هند برتانوی معمول بود، به رابطه رسمی بین دولت افغانستان و حکومت هندبرتانوی تغییر ماهیت داد. در عین زمان دولت جدید افغانستان از طریق وزارت خارجه مکاتیب دیگر به کشورهای جاپان، ترکیه، ایران، فرانسه و اضلاع متحده و اتحاد شوروی ارسال داشت تا از این طریق موقف افغانستان را به حیث یک کشور مستقل و آزاد به اطلاع دیگر کشورهای جهان برساند؛ بر علاوه امیر یک نامه خاص به لنین رهبر شوروی نیز نوشت و دولت شوروی اولین کشوری بود که بتاريخ 27 مارچ 1919 افغانستان را به حیث یک کشور مستقل برسمیت شناخت.

شاه مان الله میدانست که استرداد استقلال کشور از طریق نظامی ممکن نیست، زیرا اردوی افغانستان از نظر وسایل و تجهیزات عسکری به مقایسه قوای دشمن بسیار ضعیف و نارسا بود، ولی شاه از تحولات عمومی که بعد از جنگ عمومی اول در جهان و منطقه به ظهور پیوسته بود به خوبی آگاه بود و میدانست که با مساعدت اوضاع از جوانب مختلف یک اقدام نظامی توأم با اقدامات وسیع در ساحه سیاسی میتواند به هدف اصلی یعنی استقلال کامل کشورنایل آید. لذا شاه قبل از آغاز جنگ کوشید تا به استناد قانون ظالمانه "رولات بل" Rowlatt Bill که موجب اذیت و ناآرامی مردم در ماورای سرحد گردیده بود، با توزیع اعلامیه از یکطرف روحیه مبارزه ضد انگلیسی را در بین قبایل پشتون ماورای سرحد بیش از پیش تقویه نماید و از طرف دیگر آنرا وسیله فشار بر انگلیس ها قرار دهد تا آنها را حاضر به مصالحه و مذاکره و قبول خواسته های خود سازد. (برطبق قانون فوق که در ماه مارچ 1919 توسط برتانیه در مستعمره هند نافذ گردید، حکومت هندبرتانوی اجازه داشت تا هر شخصی را که مظنون بر فعالیت های مخالف دولت قرار میگرفت، بدون محاکمه برای دوسال زندانی و به اشکال مختلف شکنجه نماید.)

شاه امان الله حتی در زمان شهزاده گی خود کوشش کرد تا روابط نزدیک با مبارزان مسلمان هند علیه برتانیه را برقرار نماید و زمینه فعالیت های شانرا در افغانستان مساعد سازد و به همین اساس به بعضی از فعالان "حکومت مؤقت هند" از جمله مولانا عبیدالله سندی وزیر آن حکومت و ظفرحسن ایبک سکرتر و تعداد دیگر فعالان آن حکومت را در کابل اجازه اقامت داد تا فعالیت های خویش را برای آزادی هند از کابل انسجام دهند.

لودویک آدامک افغانستان شناس مشهور امریکائی در مورد تحولات عمده در جهان و منطقه و نیز تحولات در داخل کشور شرحی دارد و می نویسد: «در پایان جنگ عمومی چهره اوضاع بین المللی از ریشه و بنیاد دگرگون شد؛ انقلاب روسیه به فشارهایی که از طرف شمال بر افغانستان وارد می شد، خاتمه بخشید؛ تقسیمات داخلی و تحریکات مردمان مسلمان در آسیای مرکزی روسیه را در داخل مصروف نگهداشت و افغانستان که از حمله شمال آسوده خاطر گردید، میتوانست حمله روسیه بر هندوستان را بپذیرد و نیز چنان احساس می شد که برتانیه در اثر جنگ عمومی ضعیف شده است و تسلط برتانیه در هند در اثر اعتصابات دامنه دار، بغاوت های علنی و آشکار و شورشها مورد تهدید قرار گرفته است، چنانچه قتل عام "امرتسر" یکی از آنها بود.» آدامک در ادامه می افزاید: «افغانها هرگز به دوستی برتانیه اعتماد نداشتند، زیرا آن کشور بنام کمک با افغانستان همیشه دست به سیاست پیشروی "فارورد پالیسی" زده بود. در اثر لشکرکشی های سیاست آمیز و تنبیهی برتانیه بر قبایل در امتداد سرحد شمال غرب بر آتش نفرت مردم افغانستان همیشه دامن زده می شد. منطقه قبایل آزاد افغان به حیث یک حایل بین افغانستان و سرحدات هندبرتانوی بود و افغانها همان منطقه را مانع تجاوز برتانیه بر افغانستان میدانستند و برتانیه پیوسته در آنجا مداخله نموده و اعمال نفوذ میکرد. در حالیکه روسیه محض از دور بحیث خطر ظاهر می شد، اما برتانیه متجاوز فعال بود. قرارداد

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولۍ

روسیه و برتانیه بسیار مردم را قانع ساخته بود که آن دو نیروی اروپایی زود یا دیر باهم موافقت نموده و افغانستان را بین خود تقسیم خواهند کرد.»

آدامک بر تحولات فکری در افغانستان نیز اشاره میکند و می نویسد: «وقتی امان الله بر مسند سلطنت نشست، فضای سیاسی در کابل تغییر یافته بود. اندیشه های دموکراسی، ملیت خواهی، پیوند مشترک اسلامی، خود ارادیت و سوسیالیزم در دژهای کوهستانی افغانستان راه یافته بود. سراج الاخبار با لحن ملیت خواهی اندیشه های تازه و جدید را در افغانستان گسترش داده و از تجرید روشنفکری افغانستان را وار هانیده بود و مردم افغانستان از مسایل روز آگاهی یافتند و درباره خلافت و مسایل اسلامی و مقدرات ملت می اندیشیدند.»

آدامک با ملاحظه تحولات در داخل و خارج افغانستان به این نتیجه میرسد که: «اگرچه امان الله بحیث امیرتازه منصوب از مشروع ساختن قدرت که برای سالیان درازی زمامدار باقی بماند، شخصاً سودی نبرد، اما او نمیتوانست از تقاضای عمومی برای یک سیاست اسلامی و استقلال و آزادی مطلق از برتانیه صرف نظر نماید. حکومت هند ناگزیر بود از قدرتی که در مورد شناسایی امیر جدید داشت، استفاده نماید و از آن وسیله برای عقد قرار دادیکه بحالش مفید ثابت گردد، کار بگیرد. لیکن رویدادها به تندی پدید آمدند و در نتیجه جنگ سوم افغان و انگلیس شروع شد. اگرچه خط السیر این جنگ طوریکه افغانها پیشبینی کرده بودند، تحقق نپذیرفت، اما در هر صورت پیروزی عظیم نصیب افغانها شد، برای اینکه آنها درین جنگ استقلال و آزادی کامل و دایمی خود را از برتانیه بدست آوردند.» (آدامک، لودویک: "تاریخ روابط سیاسی افغانستان از زمان امیر عبدالرحمن خان تا استقلال"، ترجمه: علی محمد زهما، پشاور، صفحه 165 - 167)

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ